

## سنجش احساس امنیت شهروندان تهرانی و تعیین رابطه آن با اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی

احمدرضا رادان<sup>۱</sup>

۹۲/۵/۱۵

تاریخ دریافت:

۹۲/۶/۱۳

تاریخ پذیرش:

### چکیده

این پژوهش پیمایشی در پی آن بود تا در گام اول میزان احساس امنیت شهروندان تهرانی را در مولفه های اصلی آن، یعنی امنیت جانی، مالی، اجتماعی و ناموسی، اندازه گیری کند. در گام دوم سهم عوامل اصلی موثر بر آن را معین سازد و در گام سوم رابطه احساس امنیت را با دو متغیر کلیدی دیگر، یعنی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، مشخص سازد. برای این منظور از بین شهروندان ۱۵ تا ۷۵ ساله مناطق ۲۲ گانه تهران با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، نمونه ای به حجم ۳۴۰۰ نفر انتخاب و با استفاده از سه مقیاس محقق ساخته، یعنی مقیاس احساس امنیت و عوامل موثر بر آن، مقیاس اعتماد عمومی و مقیاس سرمایه اجتماعی و متغیرهای تحقیق اندازه گیری شدند. این سه مقیاس پیش از اجرای نهایی بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفره اجرا شدند و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی آنها محاسبه گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون های آماری مختلف، از جمله آماره های توصیفی، آنوا، تی، همبستگی و رگرسیون محاسبه گردید. نتایج خاص آشکار ساخت که اولاً: میزان احساس امنیت کلی شهروندان در حد متوسط است. همچنین بین میانگین احساس امنیت شهروندان در چهار مولفه تفاوت آماری معناداری وجود داشت. ثانیاً: پنج دسته عامل، یعنی عوامل فردی- روانی، عوامل مربوط به پلیس (به ویژه در حوزه نظم و کنترل اجتماعی)، عوامل رسانه ای و عوامل مربوط به حوزه ساختار اجتماعی، بر احساس امنیت شهروندان تاثیر می گذارند. ثالثاً: بین احساس امنیت شهروندان و اعتماد عمومی (اعم از اعتماد افقی و اعتماد عمودی) و سرمایه اجتماعی همبستگی معنادار بالایی وجود دارد. این همبستگی تا بدان حد است که می توان از آن رابطه علی استنباط کرد.

**واژه های کلیدی:** احساس امنیت، اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، پلیس، منزلت اجتماعی، عوامل

روان شناختی

## مقدمه

گرچه آدمیان از آغاز حیات جمعی خویش بر روی کره خاکی همواره نیازمند محیطی عاری از عوامل مخمل امنیت<sup>۱</sup> بوده اند و پیوسته برای برآوردن «نیاز به ایمنی»<sup>۲</sup> خود دست به هر تلاش و اقدامی زده اند، لیکن نیاز به امنیت و دست یابی به «احساس امنیت»<sup>۳</sup> با آغاز هزاره سوم میلادی دو چندان شده است. چه، گویی به تعبیر فرید زکریا (۲۰۱۲) تحلیل گر مسایل سیاسی-امنیتی و سردبیر نیوزویک بین المللی، «رشد حیرت انگیز و روزافزون سلاح های بیولوژیک و جنگ افزارهای کشتار جمعی، که امکان دسترسی گروه ها و دولت های مختلف به آنها بیش از پیش فراهم شده است از یک سو و شیوع و گسترش فزاینده انواع کجروی ها، انحرافات و جرایم اجتماعی از دیگر سو، موجب پیشی گرفتن «نیاز به ایمنی» از نیازهای زیستی محض شده است» (ص ۲۳). به تعبیر دیگر، از شواهد و قرائن مختلف، به ویژه شواهد پژوهشی (نظیر ویلیامز<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۱۱) چنین پیداست که اینک نیاز به امنیت به هدفی والا و مقصودی مهم و بی بدیل تبدیل شده است. «احساس امنیت» نیز در اذهان همگان به مفهومی پرارج و قرب، و به تعبیر تاجیک (۱۳۸۹) به «مقامی رفیع» تعالی یافته است. نیازی به حجت نیست که اهمیت یافتن مفهوم امنیت و متعاقب آن احساس امنیت، از سر اتفاق و تصادف نبوده است. بلکه این دانش واژه از آن رو در صدر بسیاری از مفاهیم و پدیده های اجتماعی جای گرفته است که پژوهشگران و اندیشمندان به کشف پیوند وثیق آن با پدیده ها و عوامل پر اهمیت روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دیگری نایل آمده اند. به عنوان مثال، محققانی همچون گیدنز<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) و لیندن<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) دریافته اند که افزایش احساس امنیت تاثیر انکارناپذیری بر رشد و توسعه جامعه و بهبود شاخص های اجتماعی و فرهنگی دارد. آنها در تبیین ادعای خود بر این واقعیت تاکید می ورزند که احساس امنیت به «محرک انگیزشی»<sup>۷</sup> نیرومندی تبدیل می شود و شهروندان را، خواه به صورت فردی یا جمعی، برای دست یازیدن به کنش های توسعه-محور<sup>۸</sup> تهییج و تحریک می کند. تأثیر «احساس امنیت» بر سطح سلامت

1- security

2- Need to secure

3- Security feeling

4- Williams

5- Giddens

6- linden

7- motivational

8- development-oriented

روانی<sup>۱</sup> و شادابی<sup>۲</sup> فردی و اجتماعی نیز در پژوهش های متعددی به اثبات رسیده است. داینر<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) پژوهش های مربوط به این حیطة را جمع آوری و پس از «متاآنالیز» (فراتحلیل) آنها، نشان داده است که بین احساس امنیت و اختلالاتی نظیر افسردگی و اضطراب همبستگی معنادار بالاتر از ۰/۴۳ (=۰/۴۳) وجود دارد. آرجایل<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) نیز همبستگی بین احساس امنیت و شادابی را ۰/۵۰ گزارش نموده است. بنابراین، احساس امنیت، خواه آن را به منزله یک متغیر «پیش آیند» در نظر بگیریم یا یک متغیر «پس آیند»، رابطه نیرومندی با طیف وسیعی از متغیرها و ویژگی های «درون روانی» دارد. از همین روی، همه کسانی که به فرو کاستن از آلام روان شناختی شهروندان می اندیشند و در پی از میان راندن «آشفستگی» های روانی-اجتماعی هستند و ناگزیر در «دستگاه تحلیلی» و «ساز و کار مداخله ای» خود، امنیت و احساس امنیت را به عنوان یک عامل نیرومند لحاظ می نمایند.

اما افزون بر متغیرها و عواملی که از آنها یاد شد، متغیرها و پدیده های دیگری وجود دارند که از حیث پیوند با احساس امنیت از اهمیت فزون تری برخوردارند. به ویژه از آن میان دو متغیر «اعتماد عمومی»<sup>۵</sup> و «سرمایه اجتماعی»<sup>۶</sup> جایگاه برتری دارند. این دو متغیر در بسیاری از پژوهش ها (نظیر باتسن، ۱۹۹۸، گیدنز، ۲۰۰۵ و چلبی، ۱۳۸۱) به عنوان متغیرهای اثرگذار (مستقلی) که احساس امنیت را تحت تاثیر قرار می دهند؛ نگریسته شده اند. اما در چند پژوهش محدود تلاش شده است تا «احساس امنیت» به عنوان متغیر مستقلی نگریسته شود که هم موجب بیش و کمی «اعتماد عمومی» می شود و هم بر «سرمایه اجتماعی» تاثیر می گذارد. به عنوان مثال، واکر<sup>۷</sup> و دیگران (۲۰۱۲) به تازگی در یک بررسی پژوهشی و در تلاش برای تدقیق سهم عوامل مختلف در تبیین دو پدیده اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، به تدقیق سهم احساس امنیت شهروندان در تعیین واریانس آن دو متغیر پرداخته اند. آنان با بهره گیری از رگرسیون چند متغیره نشان داده اند که احساس امنیت می تواند حدود ۴۰ درصد واریانس دو متغیر مذکور را تبیین نماید. آنان در تبیین و تشریح علت اهمیت احساس امنیت در فزون سازی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، اذعان داشته اند «وقتی در شهروندان یک جامعه این

1- mental health  
2- happiness  
3- Diener  
4- Argyle  
5- public trust  
6- social capital  
7- Walker

احساس شکل بگیرد که خطری (خواه از حیث اقتصادی، جانی یا اجتماعی) آنان را تهدید نمی‌کند؛ از یک سو سایر شهروندان را افرادی مطمئن و قابل اعتماد ارزیابی می‌کنند و از دیگر سو نهادهای متولی نظم و امنیت جامعه را دارای توان و ظرفیت از میان راندن کجروی‌ها و قانون شکنی‌ها می‌دانند. به همین سبب، آنان به این باور می‌رسند که اولاً: می‌توان به همگان اعتماد ورزید و ثانیاً: مشارکت جستن در فعالیت‌ها و امور مشترک هم به نفع آنان است و هم موجب منتفع شدن جامعه می‌شود» (ص ۳۱۹). در واقع واکر و همکارانش بر اساس یافته‌های خود به این باور دست یافته‌اند که احساس امنیت مقدم بر اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی است.

حال با تأمل در نکات مندرج در سطور بالا این سوال بنیادی پیش روی ما سر بر می‌آورد که آیا در ایران نیز رابطه‌ای بین احساس امنیت شهروندان و میزان اعتماد عمومی آنان و نیز سرمایه اجتماعی رابطه و پیوندی وجود دارد؟ آیا این پیوند آنقدر نیرومند است که بتوان بر اساس آن به استنتاج یک رابطه لی مبادرت ورزید؟ این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از یک روش علمی به این سوال پاسخ دهد. لیکن، پیش از گزارش یافته‌های پژوهش، ادبیات موضوع و چارچوب نظری بحث به اجمال مرور می‌شود. این مرور به درک بهتر معنای یافته‌ها یاری می‌رساند.

## مرور ادبیات موضوع و چارچوب نظری

احساس امنیت دانش واژه کهنی است که تلاش‌های نظری و مذاقه‌های مطالعاتی فراوانی برای تبیین آن، و نیز تدقیق عوامل پیش‌آیند و پس‌آیند آن، صورت گرفته است. به ویژه دو گروه از اندیشمندان بیش از بقیه برای کاوش در ماهیت و ابعاد مختلف آن، جد و جهد کرده‌اند. آن دو گروه یکی جامعه‌شناسان<sup>۱</sup> هستند که این پدیده را از منظر «ساختاری»<sup>۲</sup> مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند و گروه دوم روان‌شناسان<sup>۳</sup> هستند که پدیده احساس امنیت را همانند هر موضوع و پدیده دیگری، از منظر فرد‌گردایی<sup>۴</sup> مورد مذاقه قرار داده‌اند.

جامعه‌شناسان در پژوهش‌های خود پیرامون احساس امنیت (به عنوان مثال، عنایت و

1- sociologists  
2- structovalism  
3- psychologists  
4- indivitulism

دیگران، ۱۳۹۱ و نوروزی و سپهر، ۱۳۸۸) عمدتاً از سه رویکرد ربر برای تبیین احساس امنیت استفاده کرده اند:

- ۱- رویکرد نظم اجتماعی<sup>۱</sup>
- ۲- رویکرد کنترل اجتماعی<sup>۲</sup>
- ۳- رویکرد ساختار اجتماعی<sup>۳</sup>

اگوست کنت<sup>۴</sup> از جمله نخستین جامعه شناسانی است که از نظم اجتماعی سخن به میان آورده است. به باور او زمانی که جامعه از نظم ساختاری برخوردار باشد، کجروی و انحراف تقلیل می یابد و در نتیجه آن، احساس آرامش شهروندان و ایمنی و آسایش آنان فزونی می یابد.

به باور کنت اتفاق نظر مردم جامعه بر سر اصول اخلاقی از جمله مهمترین عامل مولد نظم اجتماعی و امنیت و آسایش متعاقب آن است (رفیع پور، ۱۳۸۴).

امیل دورکیم<sup>۵</sup> نیز همانند کنت در پی تبیین پدیده های اجتماعی بر اساس نظم و بی نظمی اجتماعی بوده است. او به ویژه پدیده «بی هنجاری» (آنومی) را یکی از عوامل مهم موثر بر نظم و امنیت اجتماعی می داند. دورکیم در تبیین آنومی تأکید می کند که «در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود می شود. اما، با از هم پاشیدگی هنجارها و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها، «آنومی» یا یک وضعیت «آرزوهای بی حد و حصر» بوجود می آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد و حصر نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت ناهنجار اجتماعی دایمی پدید می آید» (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۳۵). این «وضعیت ناهنجار اجتماعی دایمی» دارای پیامدهای متعددی است که از آن میان افزایش احساس ناامنی و کاسته شدن از میزان احساس امنیت اجتماعی برجسته تر از سایر پیامدها است. مرتن<sup>۶</sup> نیز از مفهوم «آنومی» برای تبیین پدیده بی نظمی و ناامنی اجتماعی استفاده نموده است. البته مرتن از این مفهوم در سطح خرد استفاده نموده است. به باور مرتن اگر در جامعه ای عناصر فرهنگی و اجتماعی با هم هماهنگ باشند در آن جامعه نظم حاکم خواهد بود. در غیر آن صورت آن جامعه دچار بی نظمی و متعاقب آن دچار ناامنی می گردد (بودون، ۱۳۸۵).

- 1- social order
- 2- social control
- 3- social structure
- 4- A. conte
- 5- A. durkheim
- 6- morton

خلاصه آنکه از نظر جامعه شناسان حامی رویکرد «نظم اجتماعی» هر چقدر یک جامعه برخوردار از نظم و انتظام و نیز یکپارچگی و انسجام باشد؛ احتمال وقوع کجروی و انحراف در آن جامعه کمتر خواهد بود و لذا مردم آن جامعه بیشتر احساس امنیت می نمایند و این احساس خوشایند نیز بر اعتماد آنان به یکدیگر و به متولیان برقراری نظم و امنیت جامعه می افزاید و آمادگی آنان را برای همکاری با آن نهادها (سرمایه اجتماعی) افزایش می دهد. جامعه شناسان گروه دوم برای تبیین پدیده های مورد مطالعه، از جمله احساس امنیت، از مفهوم کنترل اجتماعی بهره می گیرند. محققان جامعه شناسی همچون محسنی تیریزی (۱۳۹۱) و ستوده (۱۳۸۸) و نیز نوروزی و سپهر (۱۳۸۸)، تراویس و هیرشی<sup>۱</sup> را از جمله جامعه شناسان نظریه پرداز این قلمرو می دانند. هیرشی تاکید می کند که کاهش کنترل اجتماعی موجب افزایش گرایش به کجروی و انحراف می شود و بر اثر آن احساس امنیت عمومی تقلیل می یابد. البته او معتقد است که این کنترل بیشتر از طریق «منابع وابستگی» فرد اعمال می شوند. از نظر هیرشی افراد یک جامعه از طریق چهار عامل به یکدیگر وابستگی پیدا می کنند. آن چهار عنصر عبارتند از: تعلق عاطفی، پایبندی یا تعهد، درگیر شدن در امور مشترک و باور به قواعد اخلاقی و اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۲).

محققان و نظریه پردازان دیگری همچون باری بوزان<sup>۲</sup> (۱۳۸۶) عناصر کنترل را بسط داده اند به گونه ای که کنترل و نظارت مستقیم اجتماعی را نیز به آن افزوده اند. به باور بوزان هر چقدر نهادهای امنیتی و انتظامی جامعه مقتدرتر باشند و کنترل رسمی و غیررسمی بیشتری اعمال کنند، به همان میزان احتمال وقوع بی نظمی در آن جامعه کاهش می یابد و بر اثر آن احساس امنیت عمومی افزایش می یابد. رکلس<sup>۳</sup> نیز همانند بوزان کنترل اجتماعی را یکی از عوامل مهم رواج نظم در جامعه و افزایش احساس امنیت عمومی می داند. به تعبیر او، امنیت اجتماعی زایده اعمال کنترل بر محل زندگی افراد جامعه است (شیرازیان، ۱۳۸۳). لیکن، همواره تاکید شده است که کنترل اجتماعی زمانی موثر است که اولاً؛ هزینه رفتارهای خلاف افزایش یابد و ثانیاً؛ احتمال کشف جرم و کجروی توسط پلیس افزایش یابد. وجود این دو عامل موجب افزایش امنیت اجتماعی می گردد (رفیع پور، ۱۳۸۴).

سرانجام در رویکرد سوم تاکید می شود که احساس امنیت شهروندان یک جامعه متأثر از

1- T.hirschi

2- B.buzan

3- Reckles

پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان است. ماکس وبر (۱۳۸۴) از جمله حامیان این رویکرد است. به باور او سه عامل مالکیت، قدرت و ثروت گرچه بنیان متمایزی دارند اما در شکل گیری طبقه اقتصادی و اجتماعی افراد ذی سهمند و نه تنها موجب متمایز شدن برخورداری های افراد می شوند بلکه آنها را از نظر احساس نیز از یکدیگر متفاوت می سازند. بر این اساس گفته شده است که افراد برخوردار از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتر اغلب به سبب مهارت های اجتماعی فراوانی که دریافت می دارند و قدرت تاثیر گذاری اجتماعی بالایی که دارند؛ بیش از دیگران احساس امنیت می کنند (غفاری و رضانی، ۱۳۸۶).

اساساً، روان شناسان از منظری دیگر به پدیده امنیت و احساس امنیت نگرسته اند. گروهی از آنان، نظیر بالبی و اشیتز معتقدند که احساس امنیت افراد جامعه ریشه در «احساس دلبستگی»<sup>۱</sup> آنان در کودکی دارد. به باور آنان وقتی در کودکی بین کودک و مادر پیوند عاطفی عمیقی شکل بگیرد و کودک همواره مادر را در دسترس بداند؛ در او احساس عاطفی عمیقی شکل می گیرد که از آن با مفهوم «دلبستگی» یاد می شود. این احساس موجب می شود تا فرد همواره دنیار را مکانی امن، عاری از خطر و قابل پیش بینی ارزیابی نماید. لیکن اگر این احساس در کودکی و نوجوانی شکل نگیرد فرد در زندگی بزرگسالی خود نیز همواره احساس ترس و بیم و هراس می کند و پیوسته در دام اضطراب و احساس ناامنی گرفتار می شود (برک، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶).

مفهوم دلبستگی، و عکس آن یعنی گسلش<sup>۲</sup> و اثرات آن بر احساس امنیت یا ناامنی، موجب انجام تحقیقات مختلفی شده است. به عنوان مثال، هارتر<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در یک پژوهش طولی جامع رابطه شکل گیری یا عدم شکل گیری، دلبستگی را در کودکی و احساس امنیت در جوانی و میانسالی، مورد مطالعه قرار داده است. او نشان داده است که ارتباط نیرومندی بین شکل گیری دلبستگی در کودکی و احساس امنیت در سنین بعد وجود دارد. به اعتقاد او افرادی که در کودکی به سبب عواملی نظیر مرگ مادر، طلاق، درگیری ها و تنش های مستمر خانوادگی، دلبستگی را تجربه نمی کنند در سنین بعدی حتی نمی توانند عشق را تجربه کنند. چه، این افراد به دیگران اعتماد نمی کنند و همواره متصد وقوع رخدادهای ناگوار هستند. از یافته های هارتر و کسانی که در چارچوب نظریه دلبستگی به مطالعه احساس

1- attachment  
2- detachment  
3- Hurtter

امنیت پرداخته اند، می توان نتیجه گرفت که احساس امنیت می تواند متغیر پیش آیند اعتماد عمومی باشد. چه در صورت برخورداری از «امنیت درون روانی» می توان پدیده های اطراف را واقع بینانه ارزیابی و بدانها اعتماد ورزید. به تعبیر بک<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) افرادی که احساس ناامنی می کنند اغلب هم نگرش بدبینانه به دیگران دارند و هم آینده و رخدادهای اطراف خود را منفی ارزیابی می نمایند.

دومین رویکرد روان شناختی به پدیده احساس امنیت، در چارچوب نظریه آبراهام مزلو<sup>۲</sup> صورت بندی شده است. مزلو در مطالعات گسترده خود دریافت که نیازهای انسان ها را می توان بر اساس یک هرم سلسله مراتبی دسته بندی کرد. در ردیف نخست این نیازها، نیازهای بیولوژیک (نیاز به آب، غذا، هوا) جای می گیرند. اما، بلافاصله پس از نیازهای بیولوژیک، نیاز به امنیت قرار دارد و مادامی که آدمیان از نظر جسمی و روانی احساس امنیت نسبی ننمایند، بستر و زمینه برای برآوردن نیازهای بعدی آنها (یعنی نیاز به تعلق خاطر، دانستن، عزت نفس و خودشکوفایی) فراهم نمی شود (شولتز، ۱۳۸۵).

از نظر روان شناسان پیرو دیدگاه انسان گرایی مزلو (به عنوان مثال، کار، ۱۳۸۶) نیاز به ایمنی زمانی برآورده می شود که کجروی ها و جرایم کاهش یابند، خطرات جانی از میان رانده شوند و احساس تأیید و پذیرش و ارزشمندی آدم ها برآورده شود.

### رابطه احساس امنیت و اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی

همانگونه که پیش تر نیز تأکید شد در بسیاری از پژوهش ها اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مقدم بر احساس امنیت نگریسته شده اند و لاجرم یافته ها نیز در آن چارچوب حاصل شده اند. به عنوان مثال، عنایت و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت»، که بر روی گروهی از جوانان و نوجوانان شیرازی به سامان رسانده اند؛ نشان داده اند که اعتماد اجتماعی حدود ۳۴ درصد واریانس احساس امنیت را تبیین می کند. نوروزی و سپهر (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی با عنوان «احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل موثر بر آن» که بر روی زنان ۲۹-۱۵ ساله تهران به سامان رسانده اند؛ نشان داده اند که کنترل اجتماعی، نظم اجتماعی و اعتماد عمومی سهم معناداری در تبیین احساس امنیت شهروندان زن دارند. دلاور و جهان تاب (۱۳۹۰) نیز نشان داده اند که با

1- Beck

2- A.Maslow



افزایش سرمایه اجتماعی بر میزان احساس امنیت عمومی افزوده می شود.

اما در نقطه مقابل این پژوهش ها، معدودی از محققان (نظیر مانر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) و (کاراکر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹) نشان داده اند که اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در خلاء شکل نمی گیرند، بلکه زمانی پدید می آید که مردم احساس امنیت و آرامش نمایند و باور داشته باشند که نهادهای متولی نظم و امنیت جامعه از اقتدار، ظرفیت، آمادگی و انگیزش کافی برای جلوگیری از وقوع کجروی و ممانعت از بی نظمی اجتماعی برخوردارند. آن محققان در بررسی های بین فرهنگی خود نشان داده اند در جوامعی که مردم احساس امنیت بیشتری می کنند سرمایه اجتماعی (آگاهی، مشارکت، عضویت در نهادهای جمعی و انسجام اجتماعی) حاکمیت بیشتر است و مردم اعتماد بیشتری به خود (اعتماد افقی) و حاکمان (اعتماد عمودی) دارند.

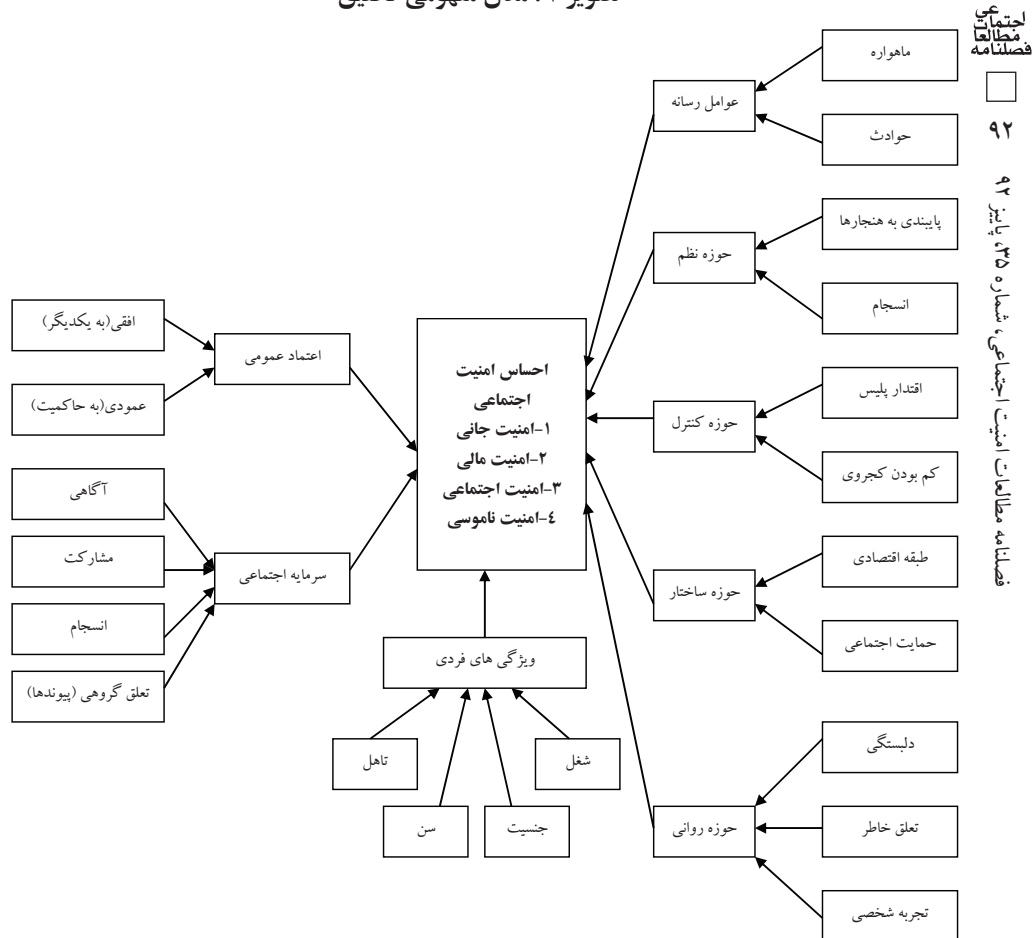
### مدل مفهومی پژوهش

بر اساس مفاهیم، نظریه ها و پژوهش های مطروحه در سطور و صفحات بالا می توان مدل مفهومی این پژوهش را به شرح زیر ترسیم نمود:

---

1- Maner  
2- Karaker

## تصویر ۱: مدل مفهومی تحقیق



## فرضیات تحقیق

بر اساس مدل مفهومی بالا می توان فرضیات زیر را فرمول بندی کرد:

- ۱- بین میزان نظم اجتماعی و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان کنترل اجتماعی و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین عوامل روان شناختی (دلستگی و ...) و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین میزان استفاده از ماهواره و صفحه حوادث جرایم و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

وجود دارد.

- ۶- بین احساس امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی رابطه معناداری وجود دارد.  
۷- بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

## روش‌شناسی تحقیق (متدولوژی)

### روش

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیات از شیوه پیمایش و روش همبستگی استفاده شد. در این روش، همانگونه که از نام آن پیداست، رابطه دو یا چند متغیر و ضریب هم‌پوشی آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گرچه، این روش در زمره روش‌های تحقیق علی جای نمی‌گیرد اما در برخی شرایط می‌توان بر اساس میزان و نحوه پیوند متغیرها، رابطه علی را نیز استنباط نمود.

### جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شهروندان ۱۵ تا ۷۵ ساله ساکن شهر تهران (تهران بزرگ) است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن حجم این جامعه حدود ۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر می‌باشد.

### حجم نمونه

حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری  $n = \frac{Z^2 \cdot \sigma^2}{d^2}$  و در سطح خطای ۰/۰۱، ۳۴۰۰ نفر برآورد شد.

### روش نمونه‌گیری

برای نمونه‌گیری از روش «خوشه‌ای چندمرحله‌ای» استفاده شد. برای این منظور تهران به پنج خوشه بزرگ شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شد. آنگاه از هر منطقه یک منطقه شهرداری (در مجموع ۵ منطقه شهرداری) انتخاب گردید. سپس از هر منطقه یک ناحیه و از هر ناحیه چند کوچه انتخاب شد. سپس تمام ساکنان ۱۵ سال به بالای آن کوچه‌ها انتخاب و مقیاس‌ها بر روی آنها اجرا شد.

## انبار نمونه گیری

برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق از سه مقیاس محقق ساخته استفاده شد. این سه مقیاس بر اساس مبانی نظری و مقیاس های موجود تهیه شدند. سه مقیاس تهیه شده بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفره اجرا و پایایی آنها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردید. نام مقیاس ها، شاخص های اصلی هر یک، تعداد مواد و پایایی آنها در جدول زیر درج گردیده است.

جدول ۱: مقیاس های اندازه گیری و پایایی هر یک

نام مقیاس	شاخص ها	تعداد مواد	پایایی (آلفا)
احساس امنیت و عوامل موثر	امنیت جانی، مالی، ناموسی و اجتماعی عوامل اثرگذار: نظم، کنترل، روانی، رسانه، پایگاه فردی	۳۰	۰/۸۶
اعتماد عمومی	اعتماد افقی (اعتماد کردن به دیگران) اعتماد عمودی (اعتماد کردن به مسئولان)	۱۰	۰/۸۳
سرمایه اجتماعی	پیوندها، انسجام، روابط، آگاهی، اعتماد، مشارکت	۱۵	۰/۸۴

همانگونه که ضرایب مندرج در جدول بالا نشان می دهد هر سه مقیاس از پایایی بالایی برخوردارند. بنابراین، یافته های حاصل از آنها از اتقان و ثبات کافی برخوردارند. یادآور می شود که برای برآورد روایی مقیاس ها از روایی صوری استفاده شد. برای این منظور هر سه مقیاس در اختیار چند صاحب نظر قرار گرفتند و از آنها خواسته شد تا به ارزیابی آنها بپردازند. حاصل ارزیابی آنها نشان داد که مقیاس ها دقیقاً همان متغیرهایی را می سنجد که برای اندازه گیری آنها تدارک دیده شده اند.

## یافته ها

در سطوری که در پی می آید یافته ها در سه بخش گزارش می شوند. در بخش اول یافته های مربوط به ویژگی های پاسخ دهندگان گزارش می شود. در بخش دوم یافته ها توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق ارائه می شوند و در بخش سوم یافته ها استنباطی مربوط به آزمون فرضیات معرفی می گردند.

## الف) ویژگی های آزمودنی ها

### ۱- سن پاسخ دهندگان

در سطور زیر ویژگی فردی پاسخ دهندگان گزارش می شود. در سن پاسخ دهندگان، فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک گروه سنی در جدول زیر درج شده است:

جدول ۲: فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک سن

گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱۵-۲۰	۵۱۶	۱۵	۱۵
۲۱-۳۰	۷۳۲	۲۲	۳۷
۳۱-۴۰	۸۹۸	۲۶	۶۳
۴۱-۵۰	۶۱۲	۱۸	۸۱
۵۱-۶۰	۳۳۰	۱۰	۹۱
بالا تر از ۶۰	۳۱۲	۹	۱۰۰
جمع	۳۴۰۰	۱۰۰	-

همانگونه که ملاحظه می شود بیشترین تعداد پاسخ دهندگان (با ۶۳ درصد) در گروه سنی ۳۱-۴۰ و کمترین آن (با ۹ درصد) در گروه بالاتر از ۶۰ سال قرار داشته اند.

### ۲- جنسیت پاسخ دهندگان

فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک جنسیت در جدول زیر درج گردیده است:

جدول ۳: فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۱۸۲۳	۵۴
مرد	۱۵۷۷	۴۶
جمع	۳۴۰۰	۱۰۰

همانگونه که ملاحظه می شود تعداد زنان پاسخ دهنده بیش از تعداد مردان بوده است. این تفاوت ناشی از آن است که پرسشنامه ها از طریق «مراجعه به درب خانه ها» تکمیل شده اند و لاجرم در طول روز زنان بیش از مردان در منزل حضور دارند.

### ۳- میزان تحصیلات

فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک تحصیلات در جدول زیر درج شده است:

جدول ۴: فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
زیردیپلم	۳۶	۱۹	۱۹
دیپلم	۲۸	۲۷	۴۶
فوق دیپلم	۱۹	۱۵	۶۱
لیسانس	۶۵	۲۰	۸۱
فوق لیسانس	۵۲۱	۱۵	۹۶
دکتر	۱۳۱	۴	۱۰۰
جمع	۳۴۰۰	۱۰۰	-

درصدهای درج شده در جدول بالا نشان می دهد که تحصیلات ۵۴ درصد پاسخ دهندگان بالاتر از دیپلم بوده است.

## ب) یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی

### ۱- میزان احساس امنیت

میانگین احساس امنیت شهروندان به تراز ۱۰۰ تبدیل و به تفکیک جنسیت محاسبه شد.

نتیجه حاصل به شرح مندرج در جدول زیر است.

جدول ۵: میانگین احساس امنیت به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مرد	۱۵۷۷	۵۲	۱۸/۲۳
زن	۱۸۲۳	۴۹	۱۷/۱۲
کل	۳۴۰۰	۵۰/۵	۱۸

میانگین های درج شده در جدول بالا نشان می دهد که میزان احساس امنیت مردان اندکی بیش از زنان است.

## ۲- میزان اعتماد عمومی

میانگین اعتماد عمومی شهروندان پاسخ دهنده به تراز ۱۰۰ تبدیل و به تفکیک جنسیت در جدول زیر درج گردید.

جدول ۶: میانگین اعتماد عمومی پاسخ دهندگان به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مرد	۱۵۷۷	۶۳	۱۹/۱۲
زن	۱۸۲۳	۶۸	۱۴/۱۳
کل	۳۴۰۰	۶۵	۱۷

میانگین های جدول های بالا نشان می دهد اولاً میزان اعتماد عمومی مردم جامعه بیش از حد متوسط است و ثانیاً میزان اعتماد عمومی زنان بیش از مردان است.

## ۳- میزان سرمایه اجتماعی

میانگین نمرات پاسخ دهندگان در مقیاس سرمایه اجتماعی به تراز ۱۰۰ تبدیل و به تفکیک جنسیت در جدول زیر درج گردید.

جدول ۷: میانگین سرمایه اجتماعی بر اساس تراز ۱۰۰ و به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مرد	۱۵۷۷	۶۶	۲۱/۱۰
زن	۱۸۲۳	۶۸	۱۸/۱۲
کل	۳۴۰۰	۶۷	۱۹

اطلاعات درج شده در جدول بالا بیانگر آن است که اولاً میانگین سرمایه اجتماعی از میانگین احساس امنیت و از میانگین اعتماد عمومی بالاتر است. ثانیاً پراکندگی نمرات زنان کمتر از پراکندگی نمرات مردان است.

### ج) یافته های استنباطی

#### ۱- عوامل موثر بر احساس امنیت

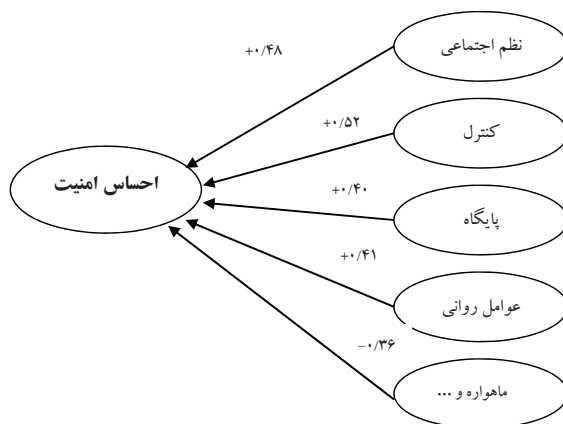
برای آزمون فرضیات ۱ تا ۵ از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل در جدول و تصویر زیر درج شده است.

جدول ۸: رابطه عوامل ۵ گانه با احساس امنیت

رابطه ها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
احساس نظم اجتماعی و احساس امنیت	۳۳۲۰	۰/۴۸	۰/۰۱
احساس کنترل اجتماعی و احساس امنیت	۳۳۲۸	۰/۵۲	۰/۰۱
پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت	۳۲۹۴	۰/۴۰	۰/۰۱
عوامل روانی و احساس امنیت	۳۳۶۲	۰/۴۱	۰/۰۱
استفاده از ماهواره و حوادث و احساس امنیت	۳۲۷۱	-۰/۳۶	۰/۰۱



## تصویر ۲: ضریب همبستگی عوامل ۵ گانه با احساس امنیت



ضرایب مندرج در جدول و تصویر بالا نشان می دهد که هر ۵ عامل مورد بررسی همبستگی معنادار بالایی با احساس امنیت شهروندان دارند (در ۴ مورد همبستگی مثبت و معنی دار و در یک مورد معکوس و معنی دار است). بنابراین، فرضیات ۱ تا ۵ تحقیق با احتساب خطای ۱ درصد تایید می شوند و این بدان معنا است که با افزایش احساس نظم و کنترل اجتماعی و نیز افزایش پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نیز افزایش سطح دل بستگی و امنیت روانی، بر میزان احساس امنیت شهروندان افزوده می شود. لیکن، با افزایش استفاده از ماهواره و مطالعه صفحه حوادث روزنامه ها و نشریات از میزان احساس امنیت شهروندان کاسته می شود. سهم عوامل ۵ گانه در تبیین احساس امنیت برای تعیین سهم هر یک از ۵ عامل پیش گفته در احساس امنیت شهروندان از آزمون دگرسیون استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۹: رگرسیون چند متغیره برای تعیین سهم عوامل مختلف در احساس امنیت اجتماعی

نام عامل	B	انحراف معیار	a + Be	+	sig
ثابت	۱۵/۱۲	۴/۰۶	-	۶/۱۲	۰/۰۰۱
نظم اجتماعی	۱/۱۳	۰/۱۵	۰/۲۱	۴/۱۲	۰/۰۱
کنترل اجتماعی	۱/۱۰	۰/۱۱	۰/۲۳	۳/۱۰	۰/۰۱
پایگاه اجتماعی	۰/۳۶	۰/۴۶	۰/۱۹	۳/۱۵	۰/۰۱
عامل روانی	۲/۱۰	۰/۳۷	۰/۱۱	۶/۱۷	۰/۰۱
رسانه	-۹/۱۴	۰/۱۶	-۰/۰۸	۳/۱۹	۰/۰۱

جدول ۱۰: ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده

R	R <sup>۲</sup>	R تعدیل شده	انحراف معیار
۰/۸۱	۰/۶۴	۰/۶۲	۶/۱۸

اطلاعات درج شده در دو جدول بالا نشان می دهد که ۵ عامل مورد بررسی قادرند ۶۴ درصد پدیده احساس امنیت را تبیین نمایند. همچنین، از بین ۵ عامل مورد بررسی به ترتیب سهم دو عامل کنترل اجتماعی و نظم اجتماعی بیش از بقیه عوامل است.

۲- رابطه احساس امنیت با اعتماد عمومی

برای سنجش رابطه احساس امنیت و اعتماد عمومی از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۱۱: ضریب همبستگی مولفه های ۴ گانه احساس امنیت و احساس امنیت کلی با اعتماد عمومی

رابطه	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
احساس امنیت (کل) با اعتماد عمومی	۳۲۱۲	۰/۵۹	۰/۰۱
امنیت جانی با اعتماد عمومی	۳۳۱۸	۰/۳۱	۰/۰۱
امنیت مالی با اعتماد عمومی	۳۳۷۶	۰/۶۲	۰/۰۱
امنیت اجتماعی با اعتماد عمومی	۳۲۹۸	۰/۶۶	۰/۰۱
امنیت ناموسی با اعتماد عمومی	۳۳۶۱	۰/۲۱	۰/۰۱

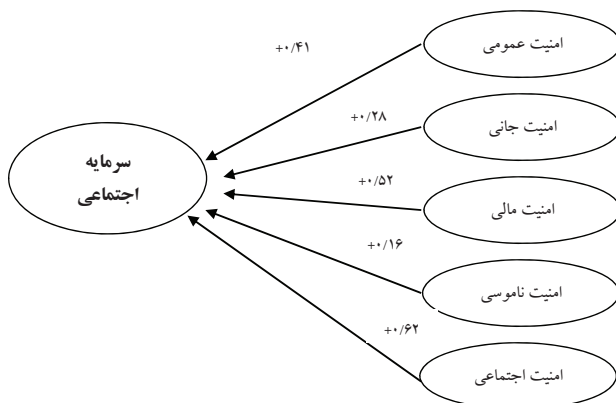
ضرایب جدول بالا نشان می دهد که اولاً احساس امنیت (به مفهوم عامل) همبستگی معنادار و مستقیمی با اعتماد عمومی دارد. ثانیاً هر ۴ مولفه احساس امنیت، همبستگی معناداری با اعتماد عمومی دارند. از آن میان ضریب همبستگی دو مولفه امنیت مالی و اجتماعی با اعتماد عمومی بیش از بقیه است. بنابراین بر اساس این یافته ها فرضیه ششم تحقیق تأکید می شود. یعنی با افزایش احساس امنیت شهروندان بر اعتماد آنان نیز افزوده می شود.

۳- رابطه احساس امنیت با سرمایه اجتماعی

برای تعیین رابطه بین دو متغیر احساس امنیت و سرمایه اجتماعی از آزمون همبستگی

پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل در تصویر زیر درج شده است.

تصویر ۳: ضریب همبستگی مولفه های احساس امنیت با سرمایه اجتماعی



همانگونه که ضرایب تصویر بالا نشان می دهد هر ۴ مولفه احساس امنیت و نیز احساس امنیت به معنای عام، همبستگی معناداری با سرمایه اجتماعی دارند. اما، از آن میان دو مولفه امنیت اجتماعی و امنیت مالی بیش از بقیه قادرند بر سرمایه اجتماعی تاثیر معنادار بر جای بگذارند.

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش بدان سبب به سامان رسید که در وهله نخست میزان احساس امنیت شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران را اندازه گیری نماید و سهم عوامل مختلف را در تبیین آن معین سازد و در وهله دوم رابطه احساس امنیت (به عنوان متغیر اثرگذار) را با دو متغیر اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیرهای اثرپذیر مورد بررسی قرار دهد.

برای تحقق دو هدف کلیدی و مهم مذکور با بهره گیری از روش تحقیق همبستگی، پس از اندازه گیری متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از چند مقیاس دارای روایی و پایایی بسنده، رابطه آن متغیرها با استفاده از آزمون های آماری همبستگی و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت. در سطوری که در پی می آید یافته های تحقیق در چند بند به اختصار مورد بحث قرار می گیرند.

## ۱- احساس امنیت و عوامل موثر بر آن

یافته ها نشان داد که اولاً: احساس امنیت شهروندان تهرانی در حد متوسط است و ثانیاً: هر شش عامل مورد بررسی رابطه معناداری با احساس امنیت شهروندان دارند. لیکن از آن میان سهم دو عامل کنترل اجتماعی و نظم اجتماعی در تبیین احساس امنیت بیش از بقیه است. این یافته همخوانی بالایی با دو دیدگاه «نظم اجتماعی» و «کنترل اجتماعی» دارد که در بخش ادبیات موضوع از آنها سخن به میان آمد. بر اساس دیدگاه های مطرحه در آن بخش وقتی اعضای جامعه تبعیت بالایی از هنجارهای موجود داشته باشند و همگان قواعد موجود را در عمل رعایت نمایند، از یک سو همگی به حقوق یکدیگر احترام می گذارند و از دیگر سو نوعی احساس رضایت و آرامش در همگان شکل می گیرد. علاوه بر آن، در چنین شرایطی تعلق اجتماعی افزایش می یابد. این عوامل نیز به نوبه خود احساس امنیت شهروندان را افزایش می دهند. اما، زمانی که اعضای جامعه و یا حداقل گروه هایی از آنها، با قواعد و قوانین و هنجارهای موجود پیوند نیرومندی نداشته باشند و در عین حال قواعد معینی نیز در دسترس آنان نباشد تا از آن پیروی کنند؛ آنومی (بی هنجاری)، به قاعده ای غالب تبدیل می شود و چنین وضعیتی نیز پیامدهای نامطلوب زیادی در پی دارد که یکی از مشخص ترین آنها احساس ناامنی است.

تأثیر کنترل اجتماعی بر احساس امنیت شهروندان نیز حتی فزون تر از نظم اجتماعی است. تأثیر این عامل از آن رو است که بر اساس دیدگاه محققانی همچون هیرشی (۱۳۸۲) و بوزان (۱۳۸۶) کنترل اجتماعی به سبب افزایش هزینه های کجروی و افزایش دشواری دست یازیدن به کجروی و هنجارشکنی، احتمال وقوع انحرافات و آشوب های مختلف اجتماعی را تقلیل می دهد و تسلط نهادهای حاکمیتی به ویژه نیروی پلیس را بر پدیده های اجتماعی افزایش می دهد. آشکار است که با کاهش احتمال وقوع کجروی و انحراف و افزایش حضور پلیس در موقعیت هایی که احتمال وقوع کجروی در آنها بالا است؛ میزان احساس امنیت شهروندان افزایش می یابد.

## ۲- رابطه احساس امنیت با اعتماد عمومی

یافته های پژوهش آشکار ساخت که بین احساس امنیت شهروندان (در مؤلفه های مختلف) و اعتماد عمومی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته می توان

در موافقت با محققانی همچون مانر (۲۰۰۶) و کارا کر (۲۰۰۹) اذعان داشت که افزایش اعتماد عمومی بر اثر افزایش احساس امنیت از آن رو است که شهروندان از یک سو نهادهای حکومتی متولی نظم و کنترل اجتماعی را مسئول مستقیم از میان راندن کجروی و انحراف و ایجاد نظم و امنیت در جامعه می دانند و چنانچه آن نهادها بتوانند بی نظمی و ناامنی را از میان برانند مردم آنها را مقتدر و قابل اعتماد ارزیابی می نمایند و متعاقب آن اعتماد خود را به کل حاکمیت تعمیم می دهند و بدین ترتیب اعتماد عمومی افزایش می یابد. از سوی دیگر، وقتی مردم احساس کنند به سبب کاهش کجروی و انحراف، خطری از سوی دیگران متوجه آنان نیست، همگان را افرادی قابل اعتماد و نزدیک به خود ارزیابی می نمایند و در نتیجه اعتماد افقی آنان افزایش می یابد. البته، در هر دو مورد عکس آن نیز صادق است. یعنی وقتی مردم احساس ناامنی کنند به این باور می رسند که همه نهادهای حکومتی و هم دیگران قابل اعتماد نیستند و نمی توان روی آنها حساب کرد.

### ۳- رابطه احساس امنیت و سرمایه اجتماعی

یافته های پژوهش نشان داد که احساس امنیت (به عنوان یک متغیر پیش آیند) رابطه معنی داری با سرمایه اجتماعی دارد. منظور از سرمایه اجتماعی آن است که افراد جامعه هم شناخت بیشتری از یکدیگر داشته باشند، هم علایق مشترکی داشته باشند، هم به یکدیگر اعتماد بورزند و هم آماده مشارکت در امور مشترک باشند (جان فیلد، ۱۳۸۶). آشکار است که آدم ها وقتی در جو و اتمسفر ایمنی قرار داشته باشند و در هراس و اضطراب به سر نبرند، نگاه خوش بینانه تری به دیگران خواهند داشت و لاجرم بیشتر آماده همکاری با دیگران هستند. به تعبیر دقیق تر، وقتی آدم ها یکدیگر را دوست داشته باشند و با یکدیگر احساس هم بختی (سرنوشت مشترک) بنمایند، بیشتر حاضرند به منبعی نیرومند از «حمایت اجتماعی» تبدیل شوند. لذا سرمایه اجتماعی آنها افزایش می یابد. البته، با افزایش احساس امنیت، سرمایه اجتماعی حکومت نیز فزونی می یابد. چون مردم حکومت را قابل اتکاء و قابل اعتماد ارزیابی می نمایند و در نتیجه آن، فاصله ملت- دولت کاهش می یابد.

## پیشنهادها

بر اساس مطالب و یافته های مندرج در این نوشتار پیشنهاد می شود:

- ۱- پلیس و نیروهای امنیتی برای افزایش نظم اجتماعی و از میان راندن کجروی ها مبادرت به اجرای طرح های فراگیر نمایند و با اطلاع رسانی و روشنگری به موقع مردم را در جریان اقدامات خود قرار دهند.
- ۲- با تدوین یک سند ملی، راهکارها و راهبردهای افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی تدقیق شوند.
- ۳- پژوهش مشابهی در سطح ملی صورت گیرد و سهم عوامل قومی، مذهبی و جغرافیایی در احساس امنیت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مورد شناسایی قرار گیرند.

## فهرست منابع

- زکریا، فرید (۲۰۱۲)، نیاز به ایمنی؛ نیاز اول انسان های قرن بیست و یکم، سایت نشریه نیوزویک.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹)، جامعه امن، تهران: نشر نی.
- چلیبی، مسعود (۱۳۸۱)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- نوروژی، فیض اله؛ سپهر، مارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبردی سال هجدهم، شماره ۵۳ صص ۱۵۹-۱۲۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بورون، ریمون (۱۳۸۵)، فرهنگ انتقادی جامعه شناسی (ترجمه عبدالحسین نیک گهر)، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۱)، وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- ستوده، هدایت اله (۱۳۸۸)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- بوزان، باری (۱۳۸۶)، مردم، دولت ها و هراس (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیرازیان، فرچه‌ر (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر عملکرد نیروی انتظامی بر میزان احساس امنیت ساکنین منطقه ۳ تهران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- ماکس وبر (۱۳۸۴)، قدرت، دین، جامعه (ترجمه احمد تویی)، تهران: انتشارات چهر.
- برک، لورا (۱۳۸۶)، روان شناسی رشد (ترجمه یحیی سیدمحمدی)، تهران: انتشارات رشد.
- عنایت، حلیمه و دیگران (۱۳۹۱)، رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در جوانان ۲۹-۱۵ ساله شیراز و یاسوج، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۵ صص ۱۰۴-۸۱.
- دلاور، علی؛ جهانتاب، محمد (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت. فصلنامه اندیشه پژوهش.
- جان مفید (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی و ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: انتشارات کویر.

- Williams, S.L etal. (2011). Security and social security. Journal of public relations.11,145-158

- Giddens, A. (2005). Sociology. London: oxfordpress
- Linden. M.(2009). Society and security. Newyork: mcgrow-hill
- Dirner, L.M (2011). Mental heath. Boston: mcgvav-hill
- Argyle, M. (2006) the psychology of happiness. Hondon: routledge
- Bateson, R (1998). Social capital. Newyork: Guilford.
- Walker, j. etal. (2012) publictrust and social capital. London: routledge.

- Hurter.M.(2010) attachment and lore.boston: MC graw-hill
- Beck, A. (1998). Depression. Freepress.
- Maner. L (2006). Public trust and mental health London: routledge
- Karaker, G (2009). Sociology boston: MC grat-hill